1-رمیله1

 متن اجرا:

یکی از شیعان امیرالمومنین (علیه السلام) (به اسم رمیله) دچار مریضی بسیار سختی شد به حدی که چندین روز خونه نشین شد، یک روز جمعه ای احساس کرد که حالش کمی بهتر شده ، با خودش گفت که هیچ کاری بهتر از این نیست که وضو بگیرم و برای نماز به مسجد برم تا اون جا محبوب خودم، امیرالمومنین ( علیه السلام) رو بعد از مدت ها ببینم . وقتی به مسجد رفت در حال نماز دوباره حالش بد شد و مریضی به سراغش اومد.

بعد از نماز امیرالمومنین (علیه السلام) رو به او کردند و گفتند : من از بیماری تو آگاه بودم و همینطور این که با خودت گفتی هیچ کاری بهتر از این نیست که به مسجد برم تا امیرالمومنین رو ببینم و این را هم می دانم که وقتی نماز می خواندی دوباره حالت بد شد. اون فرد عرض کرد که : به خدا قسم همه چیز را دقیق تعریف کردید. اما شما از کجا می دانستید؟ در طول این روز های بیماری هیچ کس از حال من خبر نداشت حتی نزدیک ترین دوستانم هم از من بی خبر بودند.

امیر المومنین فرمودند که هیچ مرد و زنی از شیعیان ما مریض نمی شود مگر این که ما از مریضی او مریض می شویم ، نارحت و غمگین نمی شود مگر این که ما از غم او غمگین می شویم . دعایی نمی کند مگر این که ما برای او آمین می گوییم و سکوت نمی کند مگر این که ما برای او دعا میکنیم .

رمیله عرض کرد: ای امیر المومنین این کار شما برای کسانی است که در کنار شما هستند ؟ پس آنانی که در گوشه و کنار دنیا هستند چه می شوند؟

امیر المومنین فرمودند: هیچ زن و مردی در سر تا سر دنیا نیست مگر این که او با ماست و ما با او هستیم.

من و تو هم کسی را داریم که هر لحظه با ماست کسی که از لبخند ما می خندد، با غصه ی ما اشک و می ریزد و با مریضی ما مریض می شود، کسی که در لحظه اش یاد من و توست ، کسی که در دعایش نام من و توست و در استغفارش اسم ما را می گوید، پدر مهربانی که هوای ما را دارد گرچه در تک و تنهایی عالم فکر کنی کسی رو نداری او ریز ترین غم های تو رو می دونه...

متن ترجمه:

از رميله‏ كه از افراد خاص در نظر امير المؤمنين (عليه السّلام) بود روايت شده که:

رميله‏ گفت: در زمان امير المؤمنين (عليه السّلام) سخت مريض شدم و از آن مريضى در روز جمعه ،سستى در خود احساس كردم . سپس گفتم كارى بهتر از اين نيست که وضو بگيرم و بروم در مسجد پشت سر امير المؤمنين(عليه السّلام) نماز بخوانم و نماز هم خواندم . سپس در مسجد جامع كوفه امير المؤمنين (عليه السّلام) بر فراز منبر رفتند که دوباره آن مرض مرا فراگرفت.

چون امير المؤمنين (عليه السّلام) از مسجد بيرون تشریف بردند دنبال ایشان رفتم ،حضرت متوجه من شدند و فرمودند: ... ما از بیماری تو آگاه بودیم و همچنین از اینکه پیش خود گفتی هیچ عملی بهتر از این نیست که غسل جمعه کنی و پشت سر من نماز بخوانی و این که سستی مرض را احساس کردی و وقتی نماز خواندی به تو این احساس دوباره دست داد را هم می دانستم . رميله عرض كرد بخدا سوگند اى امير المؤمنين (عليه السّلام) در داستان من چیزی اضافه تر نفرمودید.

حضرت علی(عليه السّلام) به من فرمودند: اى رميله هيچ زن و مرد مؤمنی نيست كه مريض شود مگر اينكه ما هم بواسطه‏ ى مريضى او مريض مي شويم، غمگين و افسرده خاطر نمي شود مگر اينكه ما هم بواسطه ‏ى آن اندوهناك ميشويم و هر گاه دعا مى ‏كند ما براى دعاى او آمين مي گوئيم ، خاموش نمي شود مگر اينكه ما براى او دعا مى‏ كنيم.

عرض كردم يا على اين كار شما براى كسانى هست كه در اين شهر با شما هستند ؟ درباره آنان كه در گوشه و كنارند چطور ؟

 فرمود: اى رميله هيچ زن و مرد مؤمنی در مشرق و مغرب زمين نيست مگر اينكه او با ما است و ما با او هستيم .

 إرشاد القلوب / ج‏2، ص: 282-الهدایة الکبری ص 157

متن عربی:

وَ رُوِيَ مَرْفُوعاً إِلَى حُمْرَانَ بْنِ أَعْيَنَ عَنِ الْقَاسِمِ بْنِ مُحَمَّدِ بْنِ أَبِي بَكْرٍ عَنْ رُمَيْلَةَ وَ كَانَ رَجُلًا مِنْ خَوَاصِّ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ع قَالَ رُمَيْلَةُ وُعِكْتُ وَعَكاً شَدِيداً فِي زَمَانِ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ ثُمَّ وَجَدْتُ مِنْهُ خِفَّةً فِي نَفْسِي يَوْمَ الْجُمُعَةِ فَقُلْتُ لَا أَعْمَلُ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ أَنْ أَقْبِضَ عَلَى الْمَاءِ وَ آتِيَ الْمَسْجِدَ فَأُصَلِّيَ خَلْفَ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ فَفَعَلْتُ ذَلِكَ فَلَمَّا عَلَا ع عَلَى الْمِنْبَرِ فِي جَامِعِ الْكُوفَةِ عَاوَدَنِي الْوَعْكُ فَلَمَّا خَرَجَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ مِنَ الْمَسْجِدِ تَبِعْتُهُ فَالْتَفَتَ إِلَيَّ وَ قَالَ مَا أَرَاكَ إِلَّا مُشْتَبِكاً بَعْضُكَ فِي بَعْضٍ قَدْ عَلِمْتُ مَا بِكَ مِنَ الْوَعْكِ وَ مَا قُلْتَ إِنَّكَ لَا تَعْمَلُ شَيْئاً أَفْضَلَ مِنْ غُسْلِكَ لِصَلَاةِ الْجُمُعَةِ خَلْفِي وَ إِنَّكَ كُنْتَ وَجَدْتَ خِفَّةً فَلَمَّا صَلَّيْتُ وَ عَلَوْتُ الْمِنْبَرَ عَادَ عَلَيْكَ الْوَعْكُ ثَانِياً قَالَ رُمَيْلَةُ فَقُلْتُ وَ اللَّهِ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مَا زِدْتَ فِي قِصَّتِي وَ لَا زِدْتَ حَرْفاً فَقَالَ لِي يَا رُمَيْلَةُ مَا مِنْ مُؤْمِنٍ وَ لَا مُؤْمِنَةٍ يَمْرَضُ مَرَضاً إِلَّا مَرِضْنَا لِمَرَضِهِ وَ لَا يَحْزَنُ حَزَناً إِلَّا حَزَنَّا لِحُزْنِهِ وَ لَا دَعَا إِلَّا أَمَّنَّا عَلَى دُعَائِهِ وَ لَا يَسْكُتُ إِلَّا دَعَوْنَا لَهُ فَقُلْتُ هَذَا يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ لِمَنْ كَانَ مَعَكَ فِي هَذَا الْمِصْرِ فَمَنْ كَانَ فِي أَطْرَافِ الْأَرْضِ مَنْزِلُهُ فَكَيْفَ قَالَ يَا رُمَيْلَةُ لَيْسَ يَغِيبُ عَنَّا مُؤْمِنٌ وَ لَا مُؤْمِنَةٌ فِي مَشَارِقِ الْأَرْضِ وَ مَغَارِبِهَا إِلَّا وَ هُوَ مَعَنَا وَ نَحْنُ مَعَهُ كَذَا.

 إرشاد القلوب / ج‏2، ص: 282

الهدایة الکبری ص 157

1. درک حال ما ، همدردی ، دعا ،محبت